

# سناریوهای امریکا در قبال عراق و سیاست‌های ایران<sup>۱</sup> حمید پیشگاه هادیان

## چکیده

نوشتار حاضر در صدد است در مطالعه‌ای تطبیقی، استراتژی نظامی و سیاست خارجی ایالات متحده در جنگ دوم خلیج فارس بر ضد عراق و جنگ با گروه طالبان و شبکه تروریستی القاعده در افغانستان را با استراتژی نظامی و سیاسی این کشور در رویارویی با عراق مقایسه کند. به نظر می‌رسد سناریوهای جدید سیاسی - نظامی ایالات متحده بر ضد رژیم صدام حسین در تداوم استراتژی نظامی و سیاسی این کشور در سال ۱۹۹۱ و ادامه روندی است که در مقابله با طالبان و القاعده در افغانستان آغاز شده است.

عراق نیز در ادامه تلاش‌های دیپلماتیک خود با هدف خروج از انزوای بین‌المللی و منطقه‌ای به ویژه پس از وقایع ۱۱ سپتامبر و اتهامات ایالات متحده به بغداد دایر بر حمایت

---

۱. این مقاله براساس ادغام دو گزارش از آقای حمید پیشگاه هادیان در دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهش‌های مجلس تنظیم شده که هر دو پیش از این مستقلاً با عنوان «سیاست‌های عراق و روابط با ایران؛ سناریوهای بدیل» با شماره ۶۳۶۰ در بهمن ۱۳۸۰ و «عراق و سناریوهای جدید سیاسی - نظامی ایالات متحده امریکا» با شماره ۶۴۱۸ در تیر ۱۳۸۱ انتشار یافته است.

از تروریسم دولتی و بیوتروریسم، به بازسازی روابط سیاسی خود با ایران پرداخته است. به عبارت دیگر، واکنش محیطی عراق با هدف بازسازی روابط با ایران تابع شرایط کنونی محیط بین‌المللی و منطقه‌ای است.

### مقدمه

با تشکیل ائتلاف بین‌المللی بر ضد تروریسم به رهبری امریکا به نظر می‌رسد پس از طالبان و القاعده در افغانستان، رژیم صدام حسین در عراق، به دلیل اتهاماتی همچون تروریسم دولتی، در اختیار داشتن سلاح‌های کشتار جمعی، و بیوتروریسم به ویژه پس از شیوع باکتری سیاه زخم در برخی شهرهای امریکا و اعلام وجود شواهدی دال بر ارتباط پنهانی شبکه تروریستی القاعده با رژیم صدام حسین با هدف اشاعه تسلیحات کشتار جمعی، به هدف بعدی امریکا پس از افغانستان تبدیل شده است.

بخش نخست گزارش حاضر تلاش دارد به دو پرسش ذیل پاسخ‌های راهبردی دهد:

۱. دشواری‌های احتمالی نظامی و سیاسی ایالات متحده در عرصه ملی عراق در مقابله با رژیم صدام حسین کدام است؟

۲. بی‌توجهی ایالات متحده به دشواری‌های مذکور چه پیامدهایی خواهد داشت؟

عراق نیز در قبال شرایط فعلی بین‌المللی و منطقه‌ای به تلاش‌های دیپلماتیک تازه‌ای دست زده است. بخش دیگر این گزارش به واکنش محیطی عراق در قبال ایران تحت تأثیر شرایط بین‌المللی می‌پردازد. شکل‌گیری این شرایط محیطی از سوی محصول ماهیت ستیزه‌جویانه، پرخاشگرانه و توسعه‌طلبانه دولت صدام حسین در منطقه، و از سوی دیگر نتیجه تغییرات ایجاد شده در ساختار نظام بین‌الملل، روندهای جهانی شدن، پیامدهای رویداد ۱۱ سپتامبر، و دگرگونی و سیاست‌های جدید خاورمیانه‌ای ایالات متحده است.

واکنش محیطی عراق در قبال شرایط مذکور، به صورت تلاش‌های دیپلماتیک آن کشور برای بازسازی روابط با جمهوری اسلامی ایران نمود یافته است. ایران نیز برای تأمین برخی از اهداف خارجی دست نیافته خود در قبال عراق همچون اجرای برخی مفاد قطعنامه

۵۹۸ و موضوعات جدید مورد اختلاف بین دو کشور پس از جنگ دوم خلیج فارس، به واکنش محیطی بغداد پاسخ مثبت داده است.

### اصول استراتژی نظامی و سیاسی ایالات متحده در قبال رژیم صدام حسین در سال ۹۲-۱۹۹۱

استراتژی نظامی و سیاسی را ایالات متحده در قبال رژیم صدام حسین طی سال‌های ۹۲-۱۹۹۱ دارای اصولی به شرح ذیل بود:

۱. بیرون راندن ارتش عراق از خاک کویت؛
  ۲. تعقیب ارتش عراق و انهدام منابع حیاتی و استراتژیک رژیم صدام حسین؛
  ۳. حمایت از گروه‌های مخالف مسلح شمال و جنوب عراق با هدف گسترش و تعمیق بی‌ثباتی در آن کشور؛
  ۴. جلوگیری از سقوط رژیم صدام حسین به دلیل نگرانی از فروپاشی حاکمیت سرزمینی و تمامیت ارضی عراق و تجزیه آن کشور.
- در نتیجه استراتژی یاد شده، رژیم صدام حسین به شکلی کاملاً ضعیف شده همچنان در عراق بر سر کار باقی ماند.<sup>۱</sup>

### اصول استراتژی نظامی و سیاسی ایالات متحده در قبال طالبان و شبکه القاعده در افغانستان ۲۰۰۱-۲

استراتژی نظامی و سیاسی را که ایالات متحده طی سال‌های ۲۰۰۱-۲ در برابر طالبان و شبکه القاعده در افغانستان دنبال می‌کرد می‌توان در اصول زیر خلاصه کرد:

۱. انهدام مراکز حساس و استراتژیک جنبش طالبان و شبکه تروریستی القاعده در افغانستان؛

1. Martin Indyk, "Back to the Bazaar", *Foreign Affairs*, Jan. and Feb. 2002. See also: Geoffrey Kemp, "US Policy Towards Iraq", The Nixon Center, Washington DC, House Committee on International Relations, 4 Oct. 2001.

۲. انهدام مراکز تجمع نظامی، خطوط دفاعی و تدارکاتی طالبان و القاعده در داخل و خارج از افغانستان؛
۳. تعقیب، بازداشت یا نابودی جنگجویان طالبان و القاعده در عمق خاک افغانستان؛
۴. کشف و انهدام مراکز مظنون به تولید و تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی طالبان و القاعده در افغانستان؛
۵. استقرار نیروهای زبده نظامی امریکایی و انگلیسی در مراکز حساس و استراتژیک افغانستان؛
۶. حمایت از پیشروی نیروهای اتحاد شمال با هدف تشکیل رژیم جدید سیاسی در افغانستان.<sup>۱</sup>

## اصول استراتژی جدید نظامی و سیاسی ایالات متحده در برابر رژیم

صدام حسین

اصول استراتژی جدید نظامی و سیاسی ایالات متحده در برابر رژیم صدام حسین به شرح ذیل خواهد بود:

۱. اجرای آتش مشترک هوایی، زمینی و دریایی و پرتاب سلاح‌های هدایت دقیق به سوی مراکز حساس و استراتژیک رژیم صدام حسین در عراق؛
۲. اجرای عملیات مشترک هوایی، زمینی و دریایی در رده فرماندهی مشترک و مرکب بین واحدهای نظامی سنتکوم<sup>۲</sup> و متحدین واشنگتن؛
۳. تسلیح نیروهای مخالف شمال و جنوب عراق و تشویق نیروهای نظامی به تمرد، با هدف گسترش و تعمیق بی‌ثباتی در آن کشور؛

1. David Grange, "US. Should Aggressively Pursue Its Mission", Military Desk Briefing, www.CNN.Com. See also: John Arquilla and David Ronfeldt, Osama bin Laden and The Advent of Netwar", *New Perspectives Quarterly*, Vol. 18, No.4, 2001 and "Guide to Military Strength", www.BBC News.com, War in Afghanistan Archive, 7 Oct. 2001.

2. Centcom

۴. اجرای عملیات مشترک پنهانی توسط ایالات متحده و نیروهای مخالف عراقی بر ضد برخی رهبران کلیدی رژیم صدام حسین؛
۵. استقرار واحدهای زبده نظامی ایالات متحده و متحدین واشنگتن در مراکز حساس و استراتژیک عراق؛
۶. اجرای طرحهای نظامی غافلگیرانه توسط متحدین واشنگتن و نیروهای مسلح مخالف عراقی برای انهدام بقایای مراکز تجمع نظامی، خطوط مواصلاتی و تدارکاتی ارتش عراق؛
۷. تلاش و حمایت جدی ایالات متحده با هدف گسترش و تعمیق شورشهای داخلی، بی‌ثباتی سیاسی، ترور صدام حسین، کودتا، و نیز اجرای سایر اشکال کنترل شده انتقال قدرت در عراق.<sup>۱</sup>

### دشورایهای احتمالی نظامی و سیاسی ایالات متحده در عرصه ملی عراق

پرسش مهم این است که آیا ایالات متحده در اجرای طرحهای نظامی و سیاسی خود بر ضد رژیم صدام حسین می‌تواند بار دیگر شیوه‌ها و عملکردهای مورد استفاده در افغانستان را به کار بندد؟ به عبارت دیگر، دشواری‌های احتمالی نظامی و سیاسی واشنگتن در عرصه ملی عراق کدام است؟

در پاسخ باید گفت دولتمردان امریکا در اجرای طرحهای مذکور بر ضد رژیم صدام حسین برخلاف طالبان با مشکلات و معضلاتی رو به روهستند. در اینجا به برخی از این تفاوتها و مشکلات اشاره می‌کنیم:

۱. یکی از نکات مهمی که احتمالاً امریکایی‌ها در حمله به عراق مدنظر قرار می‌دهند عکس‌العمل یا اقدامات تلافی‌جویانه رژیم صدام حسین در قبال این حملات است. صدام

1. Anthony H. Cordesman, "If We Fight Iraq: Iraq and It's WMD", *CSIS*, Washington, DC, 2001, See also: Daniel Byman, "Get Ready for a Nasty War", *International Herald Tribune*, 11 March 2002 ; Peter Beaumont and Ed Valliamy, "Secret US. Plan for Iraq War", *News Center*, 4 Dec. 2001; and, Andrew Kock, "Strategy to Oust Saddam", *Jane's Defense Weekly*, 7 March 2002.

می‌داند این بار برخلاف جنگ دوم خلیج فارس هدف اصلی عملیات، سرنگونی رژیم اوست؛ در نتیجه باید انتظار عکس‌العمل‌های شدیدی را از وی داشت. امکانات و تواناییهای بسیار زیاد عراق در مقایسه با طالبان و شبکه القاعده، از سویی پایگاه‌های امریکا در کشورهای خاورمیانه و بویژه در حاشیه خلیج فارس را تهدید می‌کند و از سوی دیگر می‌تواند در حمله احتمالی به اسرائیل استفاده شود. در صورت اخیر، بویژه اگر اسرائیل در صدد پاسخگویی برآید بحران جدیدی در منطقه شکل می‌گیرد.

۲. فقدان جایگزین و خلأ قدرت ناشی از سقوط رژیم صدام حسین می‌تواند این کشور را تا آستانه فروپاشی حاکمیت سرزمینی و تجزیه پیش ببرد. موقعیت ژئوپولیتیک عراق و وجود ذخایر نفتی در این کشور و کشورهای همجوار باعث شده است تا امریکایی‌ها حساسیت بیش‌تری نسبت به تغییر رژیم صدام حسین و تعیین جایگزین در عراق داشته باشند. ایالات متحده پیش از هرگونه حمله نظامی یا اقدام برای سرنگونی رژیم بغداد، به فکر شکل دادن نظام سیاسی جایگزین یا پیدا کردن فرد جایگزین برای صدام است.

۳. نگرانی از به هم خوردن توازن قدرت در منطقه به نفع برخی از کشورهای همسایه عراق، موجب شده است تا امریکایی‌ها به دنبال حفظ توازن قدرت در پی سقوط رژیم صدام حسین و روی کار آوردن هم‌زمان نظام و فرد جایگزین در عراق باشند.

۴. نگرانی ایالات متحده از تردید برانگیز شدن تداوم حضور نظامی خود در منطقه خلیج فارس در پی سقوط رژیم صدام حسین موجب جستجوی آن کشور برای یافتن دستاویز جدیدی برای تداوم حضور نظامی خود می‌شود. وجود دولت صدام حسین توجیه خوبی برای حضور نیروهای امریکایی در منطقه بوده است. بنابراین با از میان رفتن این حکومت نگرانی اعراب بویژه کشورهای حاشیه خلیج فارس از جمله کویت و عربستان سعودی تا حد زیادی کاهش می‌یابد. در این شرایط، دلیلی برای حضور نیروهای امریکایی در منطقه و حتی در کشورهای مذکور باقی نمی‌ماند و این کشورها نیز دلیلی برای پذیرش مخارج سنگین حضور نیروهای یاد شده و به تبع آن حساسیتهای به وجود آمده نسبت به

خارجی‌ها نمی‌بینند؛ کما اینکه در شرایط کنونی نیز مقامات ریاض سخنانی در مورد خروج امریکایی‌ها مطرح کرده‌اند.

۵. ایالات متحده در قالب مبارزه با تروریسم بین‌المللی، جامعه بین‌المللی را در حمله به افغانستان با خود همراه کرد. اما در مورد عراق به نظر می‌آید واشنگتن با توجه به تحولات اخیر خاورمیانه بویژه در فلسطین، مخالفت برخی کشورهای عربی با حمله امریکا به عراق، مخالفت برخی متحدین سنتی و استراتژیک این کشور و حتی برخی از اعضای قدرتمند ناتو، فعلاً نمی‌تواند جامعه بین‌المللی را با خود همراه کند.

۶. بافت، ساختار و کارکرد اتحاد شمال افغانستان با اتحاد شمال عراق بکلی متفاوت است. اتحاد شمال افغانستان متشکل از نیروهای افغانی مخالف طالبان و القاعده بود. نیروهای مذکور توسط احمدشاه مسعود، رهبر نظامی فقید اتحاد شمال از اقوام و نژادهای گوناگون افغانستان با زبان‌ها و مذاهب مختلف بسیج شده بودند و پیشروی اتحاد شمال به منزله آزادسازی خاک افغانستان از چنگ طالبان و القاعده بود. اما اتحادشمال عراق مرکب از کردهای مسلح مخالف صدام حسین است که برای تحقق خودمختاری در شمال عراق فعالیت می‌کنند. مضافاً اینکه اتحاد جنوب عراق نیز از شیعیان مسلح مخالف صدام حسین سازمان یافته است که آنها نیز هدف مشابهی دارند. بدیهی است که حوزه جغرافیایی همکاری مشترک سیاسی - نظامی ایالات متحده با اتحاد شمال عراق (و حتی اتحاد جنوب) محدود به همین نواحی از خاک عراق خواهد بود و آنها انگیزه‌ای جدی برای همکاری فراگیر با ایالات متحده احساس نمی‌کنند.

### پیامدهای ناشی از بی‌توجهی ایالات متحده به دشواری‌های مذکور

حمله به عراق در مقایسه با افغانستان، نیاز به برنامه‌ریزی و عملکرد بسیار دقیق و حساب‌شده‌تری دارد و حتی ممکن است راه حل نظامی به تنهایی کارساز نباشد بلکه به گذار از فرایند پیچیده اطلاعاتی، نظامی و سیاسی در داخل و خارج عراق نیاز باشد. به عبارت دیگر، بی‌توجهی ایالات متحده به دشواری‌های مذکور، علاوه بر تعارض داشتن بنا

منافع استراتژیک امریکا، برای برخی از متحدان سنتی و استراتژیک واشنگتن در منطقه نیز خوشایند نخواهد بود. براین اساس، ایالات متحده امریکا ناگزیر است در انتخاب خط‌مشی‌ها و استراتژی‌های خود در قبال عراق به دشواری‌های مذکور توجه ویژه‌ای داشته باشد. دشواری‌های موجود در راه اجرای استراتژی نظامی و سیاست خارجی ایالات متحده عبارت است از:

۱. اقدامات تلافی‌جویانه عراق بر ضد برخی از متحدان سنتی و استراتژیک ایالات متحده در منطقه با استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی که می‌تواند حوزه یا شعاع عملیاتی جنگ را در سطح منطقه گسترش و تعمیق بخشد.
  ۲. خلأ قدرت ناشی از سقوط رژیم صدام حسین که می‌تواند حاکمیت سرزمینی و تمامیت ارضی عراق را دچار فروپاشی کند.
  ۳. سقوط رژیم صدام حسین که می‌تواند موجب به هم خوردن توازن قدرت و در گرفتن منازعات جدید در منطقه شود.
  ۴. تردید برانگیز شدن حضور نظامی جدی ایالات متحده در پی سقوط رژیم صدام حسین که می‌تواند سبب خروج تدریجی نیروهای ایالات متحده از منطقه براساس منطق «دومینو» شود.
  ۵. گسترش و تعمیق شکاف بین متحدان سنتی و استراتژیک ایالات متحده در منطقه خاورمیانه، دو سوی آتلانتیک، شرق آسیا و حتی در داخل شورای امنیت ملل متحد که می‌تواند زمان اجرای عملیات نظامی را به تعویق اندازد و حتی دستاوردهای نظامی و سیاسی امریکا را در عراق تحت الشعاع قرار دهد.
  ۶. همکاری تاکتیکی ایالات متحده و اتحاد شمال و حتی سایر نیروهای مخالف مسلح عراق که می‌تواند به حوزه‌های مشخص جغرافیایی در عراق محدود، به پیشروی تا مدار ۳۵ درجه منتهی شود.
- با عنایت به دشواری‌های مذکور می‌توان احتمال داد که امریکا با این موقعیت‌ها مواجه شود:



۱. پیروزی قاطع نظامی و سیاسی امریکا که حاصل آن عراق بدون صدام حسین است. در سناریوی مذکور، ایالات متحده ناگزیر است قبلاً دولت جایگزین رژیم صدام حسین را برای ممانعت از فروپاشی حاکمیت سرزمینی عراق تعیین کند.
۲. پیروزی نظامی نسبی امریکا که حاصل آن عراق با صدام حسین ضعیف شده است. در این سناریو، ایالات متحده ناگزیر است مراقب اقدامات تلافی‌جویانه رژیم بغداد باشد.
۳. پیروزی نظامی قاطع و پیروزی سیاسی نسبی امریکا که حاصل آن عراق بدون صدام حسین و بدون دولت جایگزین تحت حمایت ایالات متحده است. در سناریوی مذکور، ایالات متحده پس از پیروزی نظامی بر رژیم صدام حسین مراقب اشکال احتمالی انتقال قدرت در آن کشور خواهد بود. در این سناریو، محتمل است که دولت جدید در عراق سلسله تعارضات جدید منطقه‌ای را با ایالات متحده و برخی متحدین واشنگتن شروع کند و خاورمیانه را وارد شکل جدیدی از منازعات منطقه‌ای سازد.

### سیاست‌های عراق و روابط با ایران

الگوی تصمیم‌گیری در سیاست خارجی موسوم به «واکنش محیطی» از انواع الگوها در استراتژی خارجی کشورها به شمار می‌رود. واکنش محیطی به نوعی از الگوی تصمیم‌گیری در سیاست خارجی اطلاق می‌شود که به طور عاجل اتخاذ می‌شود و پس از رفع شرایط اضطراری ناظر بر اتخاذ مدل مذکور، تغییر می‌کند. به عبارت دیگر، کشورها در شرایط اضطراری و پرتنش<sup>۱</sup> به واکنش محیطی با هدف خروج از شرایط مذکور دست می‌زنند و هنگامی که آن شرایط برطرف شد واکنش محیطی نیز تغییر می‌یابد.

واکنش محیطی در الگوی تصمیم‌گیری سیاست خارجی در قبال محیط پرتنش اعم از خارجی منطقه‌ای و بین‌المللی به دو شکل خصمانه و دوستانه صورت می‌گیرد. شکل خصمانه واکنش محیطی در قبال شرایط پرتنش و اضطراری منطقه‌ای و بین‌المللی اتخاذ می‌شود و چه بسا پس از رفع شرایط مذکور، ماهیت و شکل خصمانه واکنش محیطی نیز

1. emergency and tense conditions

تغییر پیدا کند. شکل دوستانه واکنش محیطی نسبت به آن دسته از کشورهایی اتخاذ می‌شود که با شرایط پرتنش محیط خارجی (منطقه‌ای و بین‌المللی) سر مخالفت دارند. باعنایت به تعریف واکنش محیطی در الگوی تصمیم‌گیری سیاست خارجی، به نظر می‌رسد ماهیت و ساختار محیط پرتنش و اضطراری منطقه‌ای و بین‌المللی، متغیر مستقل در اتخاذ الگوهای خصمانه یا دوستانه از سوی کشورها باشد.

عراق از زمان شکست در جنگ دوم خلیج فارس در سال ۱۹۹۲ تاکنون نسبت به ایالات متحده در یک محیط پرتنش خارجی منطقه‌ای و بین‌المللی پس از وقایع ۱۱ سپتامبر، به همراه تشکیل ائتلاف بین‌المللی به رهبری امریکا برای مبارزه با تروریسم، عملیات نظامی امریکا در افغانستان بر ضد گروه طالبان و شبکه القاعده و اقدام احتمالی نظامی از جانب واشنگتن بر ضد عراق، زمینه‌ساز شکل‌گیری واکنش محیطی خصمانه از جانب دولت عراق نسبت به امریکا و سیستم بین‌المللی و همچنین واکنش محیطی دوستانه آن دولت نسبت به جمهوری اسلامی ایران شده است.

پاسخ واشنگتن به واکنش محیطی خصمانه بغداد از سال ۱۹۹۲ تاکنون به ویژه پس از وقایع ۱۱ سپتامبر به صورت اتخاذ رهیافت اجبار و زور<sup>۱</sup> از جانب ایالات متحده بوده است.<sup>۲</sup> رهیافت مذکور بیش‌تر معطوف به اجرای احتمالی عملیات نظامی و به کارگیری قوه قهریه به اشکال مختلف بر ضد عراق است. بی‌شک تدوین و توسعه سیاست مذکور نیز به نوبه خود به تشدید واکنش محیطی خصمانه از جانب عراق در قبال محیط پرتنش منطقه‌ای و بین‌المللی می‌انجامد.

1. coercive approach

2. Daniel Byman and Mathew Waxman, "Confronting Iraq: US. Policy and the Use of Forces since the Gulf War", Project Conducted in RAND (National Security Research Division) 2000-2001, and Other Recent Studies on Iraq, RAND, Related New Links, 16/10/2001; J.T. Quinlivan, "Coap - Proofing and Consequences" *International Security*, Vol.24, No.2, Fall 1999; Anthony H. Cordesman, "US. And Arab Strategic Priorities in a Time of Strain and Transition", An Address to the Conference on Redefining US. Arab Strategic Relations, US. GCC Corporate Cooperation National Security on US. Arab Relations. 10 Sep, 2001.

شکل‌گیری رفتار دوستانه عراق در دو عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی از سال ۱۹۹۲ تاکنون به ویژه پس از وقایع ۱۱ سپتامبر قابل مشاهده و بررسی است. تلاش‌های دیپلماتیک بنیادین عراق طی سال‌های مذکور و واکنش محیطی دوستانه بغداد، مکانیسم و ابزار مناسبی برای خروج آن کشور از انزوای بین‌المللی و منطقه‌ای بوده است. گسترش و تعمیق روابط عراق با برخی از اعضای دائم شورای امنیت ملل متحد و ائتلاف بین‌المللی دوران جنگ دوم خلیج فارس از جمله روسیه، فرانسه و چین با هدف تضعیف ائتلاف مذکور و طرفداری از نظام بین‌المللی چند قطبی، بسط و توسعه روابط اقتصادی - نفتی با برخی کشورهای بهره‌مند از نفوذ بین‌المللی باهدف نقض تحریم‌های بین‌المللی عراق، گسترش و تعمیق روابط با شخصیت‌های حقوقی و حقیقی بین‌المللی که منتقد و مخالف سیاست‌های امریکا هستند، تلاش دیپلماتیک در مجامع سیاسی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای چون سازمان کنفرانس اسلامی، اتحادیه عرب و جنبش غیرمتعهدها، گسترش روابط خارجی بر محور ناسیونالیسم عربی با هدف مبارزه با شاخک‌های نفوذ اسرائیل در منطقه و مشابه این موارد، عناصر و بافت تشکیل دهنده واکنش محیطی دوستانه عراق به شمار می‌روند. به عبارت دیگر، گسترش و تعمیق استراتژی واکنش محیطی عراق با هدف تحقق فرصت‌هایی چون خروج از انزوای بین‌المللی و مهم‌تر از همه فرصت یافتن برای تأمین منابع و ابزارهای لازم به منظور بسط و توسعه سیاست‌های توسعه‌طلبانه صورت می‌گیرد که نقطه عطف آن توانمندی بیش‌تر در تولید، تکثیر و انباشت تسلیحات کشتار جمعی و استراتژیک است.

واکنش محیطی دوستانه عراق با هدف بازسازی روابط و سیاست خارجی با جمهوری اسلامی ایران نیز در همین راستا قابل تأمل و ارزیابی است. یکی از علل اتخاذ سیاست مذکور از جانب عراق، مخالفت جمهوری اسلامی ایران با نظام بین‌المللی در حال تک‌قطبی شدن به محوریت و سرکردگی ایالات متحده، نیز مخالفت با ایجاد بی‌ثباتی و ناامنی در محیط امنیتی پیرامونی جمهوری اسلامی ایران از جانب امریکا و متحدین مستی و استراتژیک آن از جمله اسرائیل است. همچنین کنار هم قرار گرفتن ایران و عراق در ساز و کار سیاست مهار دو جانبه، تحریم‌های بین‌المللی و به ویژه قرار گرفتن نام این دو کشور در

فهرست کشورهای متهم به حمایت از تروریسم و تشدید تبلیغات جدید بر ضد هر دو پس از وقایع ۱۱ سپتامبر موجب واکنش دوستانه عراق نسبت به جمهوری اسلامی ایران شده است. سفر مقامات سیاسی عالی رتبه عراق به ایران از جمله سفر اخیر وزیر امور خارجه عراق به تهران و مذاکره درباره برخی مفاد حساس قطعنامه ۵۹۸ از جمله وضعیت اسرای جنگی، دخالت نکردن در امور داخلی یکدیگر، گسترش و تعمیق روابط بازرگانی و نفتی، راه اندازی خط آهن مشترک تهران - بغداد، بازگشایی دفاتر هوایی دو کشور، برقراری توره‌های زیارتی، و عبور هواپیماهای غیرنظامی دو کشور از فضای سرزمینی یکدیگر از مواردی است که برای بازسازی روابط عراق با ایران مورد توجه بوده است.

## استراتژی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال سناریوهای

### سه گانه

سیاست خارجی مبتنی بر تنش زدایی، برشناخت روشن مرزها، تلاش برای تقویت دوستی‌ها و جنبه‌های مشترک، و هوشیاری در برابر تهدیدات دلالت دارد. این سیاست هزینه اداره کشور را به حداقل می‌رساند و با استناد به سه عنصر کلیدی عزت، حکمت و مصلحت در صدد رفع سوء تفاهمات انباشته شده از گذشته و تلاش برای پایان دادن به هر نوع تنازع و کشمکش بین‌المللی است.

برای تضمین امنیت ملی باید به واقعیت‌های موجود بین‌المللی و منطقه‌ای توجه داشت. تنش زدایی به گسترش روابط با کلیه کشورها براساس احترام متقابل، منافع مشترک، نفی هرگونه سلطه‌گری و سلطه‌پذیری و تلاش برای کاهش تنش در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی می‌انجامد. تنش زدایی در روابط سیاسی دولت‌ها مستلزم پرهیز از درگیری ایدئولوژیک، پیروی از بازدارندگی قدرتمندانه، خویشتن‌داری در منازعات و رقابت‌ها، ایجاد توازن و حفظ وضع موجود است.<sup>۱</sup>

۱. برای مطالعه بیشتر در این باره ر.ک. به: علیرضا ازغندی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: قومس،

بدین ترتیب با توجه به گفتمان تنش‌زدایی<sup>۱</sup>، وظیفه اساسی قوه مجریه در فرایند سیاست خارجی تشخیص منافع ملی کشور است که در چند مقوله یعنی استقلال سیاسی، تمامیت سرزمینی و کسب اعتبار منطقه‌ای و بین‌المللی تبلور می‌یابد. به علاوه، تجربه تنش‌زدایی در سطح نظام بین‌المللی بر لزوم وجود روابط و دیپلماسی شفاف با همه بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی درگیر در بحران تأکید دارد. روشن است که سطح و کیفیت این روابط تابع منافع ملی و مصالح امنیتی کشور خواهد بود.

با عنایت به مطالب مذکور، پرسش‌های کلیدی ذیل، «چالش‌هایی» را در مقابل برخورد مثبت جمهوری اسلامی ایران با واکنش محیطی دوستانه اخیر عراق مطرح می‌سازد: الف) آیا شرایط پرتنش بین‌المللی و منطقه‌ای برضد تروریسم و اشکال آن و به ویژه قرار گرفتن عراق به عنوان هدف بعدی پس از افغانستان در سلسله عملیات نظامی ائتلاف بین‌المللی ضد تروریستی به رهبری ایالات متحده، می‌تواند برای جمهوری اسلامی ایران به دلیل برخورد مثبت با واکنش محیطی دوستانه عراق معضلاتی به وجود آورد؟ ب) آیا چالش‌های مذکور می‌تواند مانع از تحقق اهداف و تأمین منافع جمهوری اسلامی ایران در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی شود؟

### سناریوهای بدیل

در سناریوی اول، عراق بدون صدام حسین تابع شرایط منطقه‌ای تحت تأثیر سیاست خارجی تنش‌زدایی قرار می‌گیرد و مطالبات گذشته سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران از جمله خسارات جنگ تحمیلی با حمایت و پشتوانه سیاسی منطقه‌ای و بین‌المللی قابل طرح، بررسی و پیگیری می‌شود.

تعقیب استراتژی انزوای طلبی یا اتخاذ سیاست‌های تحریک‌کننده آثار منفی هم در حوزه امنیت داخلی و هم در حوزه امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران برجای

می‌گذارد. سیاست خارجی انزوطلبانه مانند سیاست خارجی مداخله‌جویانه موجب سوءاستفاده سیاسی و نظامی امریکا و عراق خواهد شد.

در شرایط ناشی از سناریوی دوم، سیاست تنش‌زدایی جمهوری اسلامی ایران با ایجاد فضای مفاهمه و تأکید بر مشترکات و کارآمدسازی توانمندی‌های نظامی کشور می‌تواند سایه شوم اقدامات تلافی‌جویانه عراق را با استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی برطرف کند و موقعیت تاریخی و ژئوپولیتیک بسیار حساس ایران را به عنوان بازیگر منطقه‌ای در خلیج فارس به نمایش گذارد.

باید به خاطر داشت که ایران در قبال دولت‌های حاکم بر عراق با دو دسته چالش‌های دیرپای سیاسی و ایدئولوژیک و چالش‌های ارضی، مرزی و منطقه‌ای روبرو بوده است. سیاست خارجی انزوطلبانه یا مداخله‌جویانه، جمهوری اسلامی ایران را در دور تازه‌ای از منازعات منطقه‌ای با عراق جدید و بدون صدام حسین و بدون جایگزین (سناریوی سوم) درگیر می‌سازد.

#### الف) تداوم سیاست موجود

اتخاذ و تداوم سیاست پاسخ مثبت جمهوری اسلامی ایران به واکنش محیطی دوستانه عراق می‌تواند به گسترش و تعمیق حساسیت‌ها نسبت به اهداف و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران منجر شود. در این صورت، جمهوری اسلامی ایران نیز به دلیل برخورد مثبت با عراق با چالش‌هایی مواجه خواهد شد. این چالش‌ها عبارت است از:

- تشدید اتهامات در مورد تهدیدات جمهوری اسلامی ایران برای صلح و امنیت بین‌المللی و منطقه‌ای؛

- ایجاد شرایط سخت منطقه‌ای و بین‌المللی به زیان جمهوری اسلامی ایران؛

- مقابله با حضور جدی جمهوری اسلامی ایران در فعالیت‌های دیپلماتیک، سیاسی و

اقتصادی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای؛

- بی‌توجهی مجامع بین‌المللی و منطقه‌ای به درخواست‌های جمهوری اسلامی ایران در

زمینه شرایط اضطراری احتمالی در منطقه از جمله خیل عظیم مهاجرین عراقی به ایران یا

لزوم مصون ماندن ایران از گسترش آلودگی زیست محیطی ناشی از کاربرد احتمالی تسلیحات کشتار جمعی در منطقه؛

- تدوین و تصویب قطعنامه‌های جدید و شدید از جانب شورای امنیت ملل متحد یا کنگره امریکا با طرح اتهامات تازه دایر بر تهدید شدن صلح و امنیت بین‌المللی از سوی ایران.

از سوی دیگر، با توجه به سرشت نظام توتالیتر حاکم بر عراق و عمل‌گرایی رهبران آن، احتمال کناره‌گیری اجباری صدام حسین از قدرت و شروع مذاکرات میان بغداد و واشنگتن با هدف جلوگیری یا توقف عملیات نظامی ایالات متحده وجود دارد. در این صورت پیامدهای ذیل قابل تصور خواهد بود:

- تبدیل عراق از یک همکار تاکتیکی ایران به یک دشمن دیرینه و استراتژیک؛

- همکاری تاکتیکی سیاسی و نظامی عراق و امریکا برضد جمهوری اسلامی ایران مشابه سال‌های جنگ تحمیلی؛

- تهدید کانون‌های آسیب‌پذیر سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی ایران از جانب عراق در طول مرز مشترک ۱۴۰۰ کیلومتری دو کشور؛

- ورود عراق به عرصه قدرت و امنیت در خلیج فارس و تبدیل جمهوری اسلامی ایران به تهدید مشترک منطقه‌ای؛

- تنگ‌تر شدن حلقه محاصره با هدف ناامن‌سازی محیط امنیتی پیرامون جمهوری

اسلامی ایران از طریق متحدین واشنگتن در منطقه و این بار با همکاری عراق؛

- گسترش و تعمیق تهدیدات بر ضد تمامیت ارضی ایران با توجه به دشمنی تاریخی، سرزمینی، سیاسی و نظامی عراق با جمهوری اسلامی ایران.

### **ب) الحاق به ائتلاف بین‌المللی**

دومین سناریو احتمالی، الحاق جمهوری اسلامی ایران به ائتلاف بین‌المللی به رهبری

ایالات متحده است؛ اما تحقق این سناریو به دلایل ذیل بعید به نظر می‌رسد:

۱. تداوم بحران در روابط تهران و واشنگتن، و تفسیرهای متضاد دو طرف از تروریسم؛
۲. سیاست خارجی ایدئولوژیک و ارزش محور جمهوری اسلامی ایران؛
۳. به خطر افتادن جایگاه جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام با توجه به  
دکترین ام‌القرآ.

### ج) بی طرفی مثبت و فعال

سومین سناریوی محتمل، اتخاذ راهبردی در حد فاصل دو سناریوی پیشین است. با عنایت به چالش‌های ناشی از برخورد مثبت جمهوری اسلامی ایران با دیپلماسی واکنش محیطی دوستانه عراق و بعید دانستن تحقق سناریوی دوم، ضرورت اتخاذ راهبرد سوم در چارچوب رهیافتی مبتنی بر منافع ملی، در عین توجه به ارزش‌ها و واقعیت‌های موجود ضروری به نظر می‌رسد. رهیافت منافع ملی<sup>۱</sup> ابزار مناسبی برای تشریح، توصیف و ارزیابی سیاست خارجی یک کشور است. در این رهیافت، منافع ملی<sup>۲</sup> معیار توجیه، تقبیح یا پیشنهاد سیاست‌ها شناخته می‌شود. با عنایت به تهدیدات ناشی از برخورد مثبت جمهوری اسلامی ایران با واکنش محیطی دوستانه عراق و بعید دانستن همکاری ایران با ائتلاف بین‌المللی در چارچوب سناریوی سوم راهبردهای ذیل برای تأمین منافع ملی و اهداف خارجی جمهوری اسلامی ایران، به نظر می‌رسد:

۱. حفظ سیاست بی طرفی مثبت و فعال جمهوری اسلامی ایران، مشابه جنگ دوم خلیج فارس و عملیات توفان صحرا با تأکید بر حفظ تمامیت ارضی عراق و احترام به حق تعیین سرنوشت ملت عراق؛

#### 1. national interest approach

۲. در این گزارش به ابعاد گوناگون و متعارض مطالعات نظری و عملی منافع ملی اشاره‌ای نشده و صرفاً آن را ابزار مناسبی برای تأمین اهداف سیاست خارجی دانسته‌ایم. برای مطالعه بیشتر در این باره رک. جیمز باربر و مایکل اسپیت، ماهیت سیاستگذاری خارجی، ترجمه دکتر حسین سیف‌زاده تهران: نشر قومس، چاپ سوم، ۱۳۷۴.



۲. تلاش جمهوری اسلامی ایران برای احقاق حقوق تضييع شده خود از جانب عراق طی سال‌های ۱۹۸۰ تاکنون؛<sup>۱</sup>
۳. تلاش جدی جمهوری اسلامی ایران برای کاهش حساسیت‌های تحمیلی منطقه‌ای و بین‌المللی؛
۴. گسترش و تعمیق سیاست تنش زدایی با کشورهای بهره‌مند از نفوذ منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای با عنایت به نقش محوری و حیاتی جمهوری اسلامی ایران در تأمین ثبات و امنیت منطقه؛
۵. گسترش و تعمیق سیاست اعتمادسازی<sup>۲</sup> و ثبات‌سازی<sup>۳</sup> با سازمان‌های بهره‌مند از نفوذ منطقه‌ای و بین‌المللی برای برقراری صلح و امنیت در منطقه؛
۶. حضور جدی در مجامع منطقه‌ای و بین‌المللی با هدف تبدیل جمهوری اسلامی ایران به مرکز ثقل رایزنی‌های سیاسی و اقتصادی برای تدوین و توسعه فرمول‌های جدید سیاسی، امنیتی و اقتصادی برای منطقه؛
۷. گسترش و تعمیق سیاست چندجانبه‌گرایی در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی در راستای منافع ملی جمهوری اسلامی ایران؛
۸. بازنگری و ارزیابی مستمر سیاست‌های اتخاذ شده با رویکردی عقلانی و مبتنی بر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران.

## منابع و مآخذ:

۱. علیرضا ازغندی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: قومس، ۱۳۸۱.
۲. باربر جیمز و مایکل اسمیت، ماهیت سیاست‌گذاری خارجی، ترجمه دکتر حسین سیف‌زاده، تهران: نشر قومس، چاپ سوم، ۱۳۷۴.
۳. مصاحبه دکتر پیروز مجتهدزاده با رادیو اروپای آزاد، واحد مرکزی خبر، ۱۳۸۰/۱۱/۹.

۱. مصاحبه دکتر پیروز مجتهدزاده، با رادیو اروپای آزاد، واحد مرکزی خبر، ۱۳۸۰/۱۱/۹.

4. Arquilla, John; and David Ronfeldt, "Osama bin Laden and The Advent of Netwar", *New Perspectives Quarterly*, Vol. 18, No.4, 2001.
5. Beaument, Peter; and Ed Valliamy; "Secret US. Plan for Iraq War", *News Center*, 4 Dec. 2001.
6. Byman, Daniel; and Matrthew Waxman, "Confronting Iraq: US. Policy and the Use of Forces since the Gulf War", RAND (National Security Research Division), 2000-2001.
7. Byman, Daniel; "Get Ready for a Nasty War", *International Herald Tribune*, 11 March, 2002.
8. Cordesman, Anthony; H. "IF We Fight Iraq: Iraq and its WMD", *CSIS*, Washington, DC, 2001.
9. Cordesman, Anthony H.; "US. And Arab Strategic Priorities in a Time of Strain and Transition", An Address to the Conference on Redefining US.Arab Strategic US. GCC Corporate Cooperation National Security on US. Arab Relations.10 Sep. 2001.
10. Grange, David; "US. Should Aggressively Pursue Its Mission", *Military Desk Briefing*, www.CNN.Com.
11. "Guide to Military Strength", www.BBC News.com, War in Afghanistan Archive, 7 Oct. 2001.
12. Indyk, Martin; "Back to the Bazaar", *Foreign Affairs*, Jan. and Feb. 2002.
13. Kemp, Geoffrey; "US. Policy Towards Iraq", *The Nixon Center*, Washington DC, House Committee on International Relations, 4 Oct. 2001.
14. Kock, Andrew; "Strategy to Oust Saddam", *Jane's Defense Weekly*, 7 March 2002.
15. Quinlivan, J.T; "Coap-proofing and Consequences", In the *International Security*. Vol.2, No.2, Fall 1999.